

آیا ترانس‌هومانس می تواند راه نجات زندگی عشایر باشد؟

دکتر طوبی امیرعضدی

استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

Email: Toba-amirazodi@yahoo.com

چکیده:

در این مقاله سعی شده است تا بطور خلاصه به ترانس‌هومانس به عنوان گزینه ای برای نجات زندگی عشایر (به عنایت به خصلت قدیمی عشایر مبنی برداشتن نقش تعیین کننده در مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور) پرداخته شود. با توجه به اینکه زندگی کوچ نشینی به علل مختلف در حال نا بودی است و با عنایت به اینکه ۲۵٪ تولید گوشت قرمز در کشور همین جمعیت ۱/۸٪ نفری، تأمین می کرده اند. طرفداران نظریه ی ترانس‌هومانس علاقه عشایر را به تأمین زندگی بهتر و تعیین سرنوشت آینده فرزندان شان، تولید گوشت و مواد لبنی و صنایع دستی و ... را دلایلی برای ادامه زندگی کوچ نشینی به روش ترانس‌هومانس می دانند. درارایه این نظریه بایستی برای کشور ما، موقعیت زمانی و مکانی را در نظر گرفت، یعنی برای هر گروه و طایفه با توجه به نوع نیازها و واقعیت های اجتماعی و همچنین موقعیت و استعداد های موجود در ناحیه باید نسخه نویسی کرد (مصاحبه اینجانب با آقای دکتر سید رحیم مشیری) و در آخر در این زمینه پیشنهاداتی ارائه شده است.

واژه های کلیدی: اسکان، کوچ، کانون، رمه گردانی، یکجانشینی.

مقدمه

برای دست یابی و نیل به استراتژی مناسب توسعه زندگی هر جامعه ای، مطالعات و بررسی های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شناخت استعداد های بالقوه و بالفعل محیطی و همچنین تنگنا های موجود از ضروریات هراقدام و برنامه ریزی می باشد.

جامعه عشایری، بنابه خصلت قدیمی خود مبنی برداشتن نقش مؤثر در مسایل اقتصادی - اجتماعی و در شرایط نیاز کشور حفاظت از تمامیت ارضی ایران زمین، همواره نقش تعیین کننده ای را ایفا نموده است. بنابراین، پرداختن به طرح معروف به اسکان که سابقه تاریخی داشته به دلایل مختلف دارای اهمیت فراوان می باشد.

اسکان عشایر، دقیقاً یک مسئله اجتماعی و انسانی می باشد. اگر این اقدام بصورت علمی انجام نگیرد. جدای از بی نتیجه ماندن فعالیت های مربوط به اسکان، عامل ایجاد ناهنجاری اجتماعی اقتصادی، فرهنگی، محیطی عظیمی خواهد شد که عواقب آن مسلماً فقط جامعه عشایر را در بر نخواهد گرفت. چه جامعه عشایری، یکی از سه جامعه اصلی کشور است و بطور طبیعی این اثرات سوء، ابتدا روستاها (جامعه روستایی) و سپس شهرهای مجاور (جامعه شهری) را

هم گرفتار خواهد کرد. کانونهای اسکان، تخلیه شده (به سرنوشت روستاها پس از اصلاحات ارضی) دچار خواهد شد و کلیه هزینه‌هایی که دولت در این زمینه انجام داده، به هدر رفته و مردان و زنان سلحشوری که روزگاری تولیدکننده بودند به حاشیه نشینان شهری و روستایی، با مشاغل کاذب تبدیل خواهند شد. چون سرمایه اصلی‌شان که دام بود، از دست داده و تحصیلات و سرمایه هم ندارند.

طبق آمار سازمان برنامه و بودجه، در برنامه دوم عمرانی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۷۸ - ۱۳۷۲) بالغ بر ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار دولتی و ارقام بسیار زیادی تسهیلات بانکی، به امراکان عشایر اختصاص داده شده است. اما آنچه که از شواهد در کلیه کانون‌های اسکان کشور مستفاد می‌گردد، حاکی از موفقیت چشمگیر در این زمینه نبوده است.

امکان برنامه‌ریزی طرح‌های آینده و حرکت به سمت توسعه، بدون بررسی و ارزیابی برنامه‌ها و فعالیت‌های گذشته، وجود ندارد. با در نظر گرفتن تحولات سریع در شیوه زندگی عشایر و محدودیت‌های موجود و افزایش نرخ رشد جمعیت و عدم وجود زمینه اشتغال و در نتیجه مهاجرت‌های بی رویه به اطراف شهرهای نزدیک به کانون‌های توسعه و تغییرات بنیادی بر ساختارهای اجتماعی - اقتصادی دیگر جوامع، لزوم بررسی و برنامه‌ریزی‌های مدون را بیش از پیش محسوس و ملموس می‌سازد. در واقع با ایجاد تغییرات و تحولات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ... باتوجه به توانهای بالقوه خود عشایر و با کمک و بهره‌گیری از امکانات خارج از کانون‌های توسعه عشایر، می‌توان به ایجاد بهره‌وری بهینه در این کانون‌ها امیدوار بود و رفاه و امکانات معیشتی و زیستی مناسبی را همراه با ارتقاء و تعالی کیفی برای جوامع عشایری به ارمغان آورد.

برای رسیدن به این اهداف که شاید کمی هم دیراست، لزوم عنایت به برنامه‌ریزی وسیع و تغییر تاکتیک و استراتژی‌های توسعه ضرورت خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد. چه، ناکامی راهکارهای توسعه عشایر، سبب ضعف و بهره‌وری اقتصادی در کانون‌های اسکان گردیده و عامل رانش جمعیتی و حتی متروکه شدن بسیاری از این کانون‌ها می‌گردد. در حالیکه اگر بتوانیم برای زیستن، امکاناتی حتی، در حد نیاز معمول عشایر از طریق برنامه‌ریزی علمی، سیستماتیک فراهم آوریم مسلماً در اسکان و جذب و ابقاء عشایر در کانون‌ها و از قدرت بالقوه تولیدی این قشر که مطلقاً، تولید کننده بوده‌اند. موفق خواهیم شد.

روش تحقیق

روش‌ها و تکنیک‌های مقدماتی گوناگونی در جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق بکار گرفته شد. اولین گام در راه دستیابی به اهداف تحقیق، جمع‌آوری اطلاعات و دریافتن واقعیت‌هاست (آسایش، حسین و مشیری، رحیم. سال ۱۳۸۱، ص ۱۴۲). روش‌های بکار برده شده در این تحقیق عبارتند از: روش اسنادی (Documental)¹ و پیمایشی (Survey)² بهره گرفته شده است (مشاهده، مصاحبه، پرسشنامه، اسناد و مدارک، تلفن، کتابخانه). و تکنیک مورد استفاده در پژوهش از تکنیک ارزیابی مشارکتی روستائی (P.R.A)³ در این تحقیق استفاده شده است. پایه این تکنیک شریک شدن پژوهشگر در تحلیل و استنباط عشایر از موفقیت آنان در وضعیت امکان و کوچ است.

¹ Documental

² Survey

³ Participatory rural appraisal

نظریه رمه گردانی Transhumans

طرفداران این نظریه معتقدند که زندگی کوچ نشینی به علل مختلف در حال اضمحلال و نابودی است و همه ساله عده کثیری به یکجانشینی (اسکان) می آورند، روی آوردن به یکجانشینی به گونه ای است که بسیاری از صاحب نظران معتقدند که کوچ نشینان کنونی احتمالاً آخرین مردم کوچ نشین ایران بوده و در آینده ای نه چندان دور، این شیوه ی زندگی یابو طور کلی از بین خواهد رفت و یا به حداقل ممکن خواهد رسید. پس لازم است چاره اندیشی شود تا شاهد از بین رفتن میلیونها رأس دام عشایری و بلااستفاده ماندن میلیونها هکتار مراتع بیلاقی و قشلاقی نباشیم این عده بر این نظرند که از یک سو، حفظ زندگی کوچ نشینی به روش سنتی با توجه به اوضاع کنونی نه معقول و مطلوب است و نه ممکن و از سوی دیگر اسکان به معنی نابودی دامداری متحرک و بلااستفاده ماندن مراتع است. پس باید شیوه ای دیگر را جایگزین شیوه اولیه نمود که هم جامعه عشایری بتواند حالت تولید کنندگی خود را حفظ کند و هم کمبودها و مشکلات و مسائلی که در زندگی کوچ نشینی موجود است از بین برود که برای این منظور راه حل مطلوب همان شیوه رمه گردانی است. (مشیری، سید رحیم. جغرافیای کوچ نشینی، سال ۱۳۸۰ ص ۳۴) اساس این نظریه بر این محور است که زن و بچه عشایر در مکانی مناسب که خدمات رسانی به آنها به سهولت ممکن باشد، اسکان داده شوند و مردان با چوپانان و سایر نیروی انسانی گله ها را به قشلاق و بیلاق برده و از مراتع به نحو احسن استفاده نمایند که در این صورت هم حالت تولید کنندگی جامعه عشایر حفظ می شود و هم به مسائل سخت زندگی آنان پایان داده می شود. در این روش دیگر به نیروی کار زنان نیاز نخواهد بود زیرا شیردوشی وجود نداشته و در نتیجه زنجیره تبدیل شیر به مواد لبنی وجود نخواهد داشت بلکه به جای تولید مواد لبنی، تولید گوشت مورد نظر خواهد بود. به عبارت دیگر هدف از رمه گردانی، جایگزینی تولید گوشت به جای تولید مواد لبنی است (افشاری، عبدالرحیم. سال ۱۳۷۵، صص ۱۲۰ و ۱۱۹).

به طور کلی طرفداران نظریه ترانس هومانس یارمه گردانی در مقام دفاع و توجیه نظریه خود موارد زیر را به عنوان ملاک و معیار مطرح ساخته اند:

۱- امروزه یکی از دلایل عمده اسکان عشایر، علاقه آنان به تأمین زندگی بهتر و تعیین سرنوشت آینده فرزندانشان است چون در زندگی کوچ نشینی افراد خانواده از حداقل امکانات بهداشتی، درمانی، آموزشی و خدماتی بی بهره هستند و به همین دلیل کوچ نشینی رارها کرده و در روستاها یا حاشیه شهرها اسکان می یابند. اما با انتخاب روش رمه گردانی عشایر می توانند با اسکان خانواده خود در مکانی مناسب و مورد نظر، شرایط زندگی افراد تحت تکفل را بهبود ببخشند و خود به فعالیت تولیدی (گردانی) پردازد هر چند ممکن است مطرح گردد که دوری از زن و فرزند، مانع رشد و توسعه چنین روندی خواهد شد. ولی همان طور که بسیاری از افراد جهت کار یا مشاغل دیگر به شهرها، بنادر و حتی کشورهای خارجی مهاجرت کرده و مدتها دور از خانواده بسر می برند، بنابراین مانعی نخواهد داشت که در این شیوه (رمه گردانی) نیز عده ای از مردان متناوباً به بیلاق و قشلاق بروند و در نگهداری و مواظبت لازم، چوپانان را یاری دهند و بدین ترتیب آسایش و زمینه تحصیل فرزندانشان را فراهم سازند و از طرفی زنان در محل اسکان در عوض تولید مواد لبنی می توانند به کار صنایع دستی مانند قالی بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی و... پردازند که خود دارای ارزش اقتصادی فراوانی نسبت به تبدیل شیر به مواد لبنی خواهد داشت.

۲- محصول عمده‌ای که در کوچ‌نشینی به دست زنان تولید می‌شود، مواد لبنی به ویژه (روغن حیوانی) است. هرچند که گوشت نیز تولید می‌شود، پیداست که روغن با توجه به گرانی قیمت آن بیشترمختص اقشار خاص (ثروتمندان) است و تمام طبقات جامعه از آن استفاده نمی‌کنند، در صورتی که تولید اصلی در رمه گردانی گوشت می‌باشد که مصرف آن عمومیت دارد و برای تأمین نیازهای پروتئینی تر ضروری‌تر است. از طرفی در صورت کاهش روغن حیوانی در داخل کشور احتمال وارد کردن آن از کشورهای خارجی بسیار کم است اما مصرف گوشت به عنوان مهمترین تأمین کننده مواد پروتئینی به حدی ضروری است که با کمبود آن دولت مجبور خواهد شد، ارز و درآمد ملی هنگامی را جهت وارد کردن گوشت صرف کند که علاوه بر زیان اقتصادی و وابستگی اقتصادی، از نظر کیفی نیز گوشت‌های یخ زده وارداتی مطلوبیت و کیفیت گوشت‌های تولیدی داخلی را نخواهد داشت.

۳- در خانواده‌های کوچ‌نشین، مسئله شیردوشی جهت تولید مواد لبنی یکی از عوامل محدود کننده تعداد دام است، بدین معنی که یک زن شیردوش عشایری روزانه قادر به دوشیدن بیش از ۱۰۰ رأس دام شیرده نخواهد بود، اما در رمه گردانی چون مسئله شیردوشی حذف گشته است، بنابراین دامدار می‌تواند تعداد دام‌هایش را افزایش دهد و در نتیجه بر میزان درآمد اقتصادی خود بیفزاید و از طرفی افراد اضافه می‌توانند به فعالیت‌های دیگر بپردازند.

۴- در این سیستم، حذف شیردوشی موجب سرعت رشد و چاق شدن بره‌ها می‌شود، زیرا از همان اوایل زندگی بره‌ها و بزغاله‌ها از شیر کافی مادر تغذیه می‌کنند و در نتیجه در برابر بسیاری از بیماری‌ها مصونیت می‌یابند که به دلیل کاهش مصرف داروهای دامی از نظر هزینه به نفع دامدار بوده و از طرفی چون دوشیدن دام‌ها خصوصاً در روزهای اولیه تولد بره‌ها مانع از رشد کافی بره‌ها شده و همین مسئله سرعت رشد و چاق‌تر شدن بره‌ها را به نسبت قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد و نتیجتاً باعث لاغری و ضعیف شدن بره‌ها شده و مقاومت آنها را در برابر بیماری‌ها از بین می‌برد که از نظر کاهش ارزش اقتصادی، زیان فراوان را به دنبال دارد (پاپلی یزدی، محمدحسین. سال ۱۳۶۷، ص ۲).

شیردوشی ← مانع سرعت رشد و چاق شدن ← کاهش وزن و مقاومت در برابر بیماری‌ها ← مرگ و میر یا کاهش ارزش اقتصادی دام ← خسارات اقتصادی.

۵- در دامدای مبتنی بر تولیدات لبنی، برای تبدیل شیر به مشتقات آن انرژی بسیاری مصرف می‌گردد و از آنجا که دسترسی به سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز و ...) در میان عشایر بسیار مشکل است، بنابراین نیاز به سوخت را از طریق قطع کردن درختان جنگلی و بوته‌کنی بی‌رویه تأمین می‌سازند که بدین سان خسارات جبران‌ناپذیری به پوشش گیاهی و تخریب مراتع وارد می‌شود در صورتی که دامداری به شیوه رمه گردانی تنها به تولید گوشت پرداخته و در این صورت نیاز به سوخت فراوان نیست، از این رو پوشش گیاهی و حفظ محیط طبیعی تضمین می‌گردد (کیاوند، عزیز. ترجمه سال ۱۳۶۷، ص ۴).

۶- از دیگر مزایای رمه گردانی اینست که «دامنه چرا» و تحرک رمه گردانی گسترش می‌یابد، چراکه در دامداری مبتنی بر تولید مواد لبنی به دلیل عمل شیردوشی در چند نوبت نمی‌توان گوسفندان را جهت چرا به فاصله زیاد از محل استقرار چادرها دور ساخت، بنابراین کار شیردوشی عامل محدود کننده دامنه فعالیت و چرای رمه خواهد بود زیرا حداقل روزی یکبار بایستی گوسفندان به محل شیردوشی برگردند تا کار شیردوشی انجام گردد و اگر شیردوشی در دو مرحله باشد، رمه به شدت از لحاظ «دامنه چرا» محدود می‌گردد و در نتیجه تولید گوشت کاهش می‌یابد و

از طرفی چون فشار بر روی مراتع اطراف بسیار زیاد است، تخریب آن قسمت از مراتع سرعت بیشتری خواهد داشت اما در دامداری مبتنی بر تولید گوشت، چون رمه‌ها به چادر بر نمی‌گردند، بنابراین محدودیت زمانی و مکانی برداشته شده و در نتیجه دام می‌تواند از فضای حیاتی بیشتر و بهتر استفاده کند. بدین ترتیب امکان استفاده از مراتع دور افتاده کوهستانی و حتی ارتفاعات نیز ممکن گردد. این امر نه تنها موجب سرعت رشد دامها می‌شود بلکه میزان تولید را افزایش می‌دهد و از طرفی از تخریب مراتع تا حد قابل ملاحظه‌ای جلوگیری می‌نماید. بایک جمع‌بندی می‌توان گفت که: رمه‌گردانی یک شغل است در صورتی که کوچ‌نشینی یک نوع زندگی است.

۷- کوچ‌نشینی به روش سنتی مبتنی و متکی بر تولیدات لبنی بوده و نمی‌توان تولیدات لبنیات را نادیده گرفت چون درآمد عمده کوچ‌نشینی از این طریق حاصل می‌شود. دام‌ارمه‌گردانی مبتنی بر تولیدات گوشت است.

۸- در کوچ‌نشینی خانواده (زن- فرزند) نقش مهمی را ایفا می‌کنند، زیرا زن‌ها دام‌ها را می‌دوشند و شیر را تبدیل به لبنیات می‌کنند ولی در رمه‌گردانی، خانواده گله را همراهی نمی‌کند (کیاوند، عزیز، سال ۱۳۸۰، ص ۱۷۶).

۹- در رمه‌گردانی فرصت بیشتری جهت صنایع دستی و پرداختن به سایر مشاغل فراهم می‌شود و از طرفی نبودن خانواده همراه رمه تأثیر چندانی بر دامداری رمه‌ای و تولید گوشت نخواهد داشت (مجموعه مقالات سمینار توسعه زندگی عشایر. سال ۱۳۶۹، ص ۳۳۲).

نقد و بررسی نظریه رمه‌گردانی (تلفیقی)

نوع سوم نظریه‌های مرتبط با کوچ و اسکان حالت «تلفیقی» است که دلالت بر کوچ و اسکان هر دو دارد و از تکیه بر نظریه‌ای واحد یا قضاوت و پافشاری یک جانبه بدور است و از انعطاف‌پذیری و واقع‌بینی بیشتری برخوردار است.

بر پایه این نظریه پیش گرفتن رویه واحد یا در جهت کوچ محض و یا تکیه صرف بر اسکان محض هیچ کدام به خیر و صلاح جامعه عشایری منیست زیرا محور قرار دادن یک رویه واحد یا قضاوت یک جانبه به تنهایی نه عادلانه است و نه عاقلانه و از طرفی علاج درد واقعی یاراه حل مناسب نیست و چنین اقدام عجولانه‌ای دور از واقع‌بینی به مثابه نوعی بیماری است که از جانب پزشک، بدون شناخت راه علاج و رعایت جوانب احتیاط لازم نسخه‌ای کشنده در اختیار بیمار قرار گیرد که نتیجه‌ای جز مرگ بیمار نخواهد داشت.

عمده مطلب این نوع نظریه آن است که موقعیت زمانی و مکانی را باید در نظر گرفت یعنی برای گروه و طایفه‌ای خاص با توجه به نوع نیازها و واقعیت‌های اجتماعی و همچنین موقعیت و استعدادها موجود باید طرح اسکان یا کوچ را نسخه‌نویسی کرد و در واقع باید اوضاع و احوال شرایط اقلیمی و جغرافیایی و چگونگی نیازها و خواسته‌ها و فرهنگ مردمی را با دقت و مطالعه دقیق و همه جانبه در نظر گرفت و بدون شناخت درست و عمیق به نسخه‌نویسی پرداخت بلکه رعایت جوانب کامل احتیاط، دوراندیشی و مطالعه تمام زوایای زندگی در جهت توسعه زندگی جامعه عشایر و در نظر گرفتن کل مصالح جامعه گام مؤثر برداشت.

پیشنهادات

تاکنون جامعه عشایری با مشخصات ویژه خود که شاخص‌ترین آنها کوچ نشینی و «دامداری به شیوه چرای آزاد» بوده، توجه همه دست‌اندرکاران اعم از مسئولین اجرایی و محققین را به خود جلب نموده است. اما سیر تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور باعث دگرگونیها و تحولاتی در شیوه زندگی و تولید این بخش اجتماعی گردیده و باعث شده است که جهت‌گیریها، برداشتها و طرز تلقی‌های جدیدی نسبت به روش زندگی و شیوه تولید اقتصادی و منابع تأمین معاش در میان خانوارهای عشایر کوچ‌رو به وجود آید.

طیف عظیمی از خانوارهای عشایری تا به حال اسکان گزیده‌اند (خودجوش و یا اجباری) از اوایل نهضت مشروطه تا به حال، سهم جمعیت عشایر کوچ‌رو از ۲۵ درصد در اوایل قرن به کمتر از ۲/۵ درصد در سال ۱۳۶۶ و ۱/۲ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. که البته بسیاری از این اسکانهای خودجوش هم در واقع به علت نواقص و تنگناهای موجود در زندگی کوچ‌نشینی همان حالت اجباری داشته است. در بررسی شاخص‌های جمعیت شناختی، شیر نمایانگر حرکت جمعیت از این جامعه به سوی جوامع یکجانشین می‌باشد. (مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن ویژه عشایر، سال ۱۳۷۵)

واژه عشایر که زمانی فقط زندگی «چادر نشینی» و یا «کوچ» را به ذهن متبادر می‌ساخت، امروزه بدون همراهی واژه‌های «کوچ‌رو» یا «اسکان یافته» نارسامی نماید. بنابراین در حال حاضر جامعه عشایری به دو بخش «عشایر کوچ‌رو» یا «اسکان یافته» تقسیم شده‌اند. نظریه اینکه ویژگی‌های قومی، آداب و رسوم، فرهنگ و مهارت شغلی این دو بخش اجتماعی بسیار شبیه هم بوده و گرایشات و علایق زیادی بین آنها به صورت فردی، تک خانواری و جمعی (بنکوبی، تیره‌ای، طایفه‌ای و قبیله‌ای) وجود دارد، لذا نمی‌توان در یک مطالعه و بررسی جامع هیچ کدام را با روابط و تأثیرات متقابلشان از نظر دور داشت. (سازمان برنامه و بودجه فارس سال ۱۳۷۰، ص ۱۴۲). با مشاهده و ارزیابی زندگی کوچ‌نشینان عشایری، مشکلات و تنگناهای این جامعه به راحتی قابل تشخیص است. مراتع که عرصه حیات و تداوم شیوه تولید این گروه اجتماعی است، روز به روز محدودتر و فرسوده‌تر می‌گردد. ایل‌راه‌ها که مسیر کوچ و تحرک دائمی آنان بوده، به بن‌بست می‌رسند. نیروی انسانی عشایر کوچ‌رو به علل متفاوت از جمله افزایش تعداد نیروی انسانی و بالا رفتن سطح توقع نسبت به اشتغال‌های موجود، تمایل به کار جدید و غیر سنتی، خستگی از این شیوه قدیمی زیست، گرایش به رفاه و آسایش بیشتر در اسکان، از هم پاشیدگی نظام قبیله‌ای و ... از این زندگی سنتی بریده و به سمت یکجانشینی حرکت کرده و یا مایل به آن می‌باشند.

به طور کلی انگیزه‌های گرایش به کوچ در برابر عوامل مؤثر بر گرایش به اسکان رنگ می‌بازند. پاشیدگی باقیمانده نظام قبیله‌ای و طایفه‌ای، جایگزینی حرکت‌ها و تصمیم‌های فردی و خانوادگی به جای حرکت‌های طایفه‌ای، محدود شدن و کاهش دام‌های بزرگ بارکش از قبیل اسب و شتر و ... و جایگزینی ماشین به جای آنها در امر کوچ و دشواری دیگری نظیر اینها، خبر از تغییرات اساسی در زندگی کوچ‌روی سنتی و پیدایش شیوه‌های جدیدی در تمام شئون زندگی خانوادگی و شیوه تولید اقتصادی می‌دهد.

تلاش در جهت سوددهی بیشتر شیوه تولید دامداری برای تأمین مایحتاج زندگی روزمره و هزینه‌های خانوادگی و همچنین پوشش هزینه‌های تولید که هر روز روندی افزون بر روز پیش دارد، در وهله اول منجر به فشار بی‌رویه بر

مراتع می‌گردد که این امر به نوبه خود عرصه دامداری به روش چرای آزاد را محدودتر می‌نماید. بنابراین تأثیرات این عوامل تولید اقتصادی در جامعه عشایری کوچرو بر یکدیگر، به صورت دایره‌ای است که هر ساله از شعاع آن کاسته می‌شود. برای گریز از چنین محدوده‌ای دو نوع اسکان نظر عشایر کوچرو را جلب می‌نماید:

- اسکان خانوادگی و تغییر شیوه دامداری یا ترک دامداری و به طور کلی ترک اشتغال در بخش کشاورزی (ترک کوچگری به طور کلی).

- اسکان خانوار و تداوم تحرک دام تا حد امکان، برای استفاده از باقی مانده مراتع و سایر امکانات تأمین حیات این شیوه دامداری.

طرح دوم همان شیوه ترانسهمانوس می‌باشد اما سخنی چند درباره شیوه تولید عشایری:

اساساً شیوه تولید جامعه عشایری بر پایه دامداری شبانی استوار است. که در شکل کامل این نوع شیوه تولید، رمه عشایری تقریباً در تمام طول سال در چراگاههای طبیعی به سر می‌برد. دام و صاحب دام، همه ساله در دوره ییلاق و قشلاق به مهاجرت می‌پردازند. صاحبان رمه‌ها با همراهی کردن دام، نیروی کار لازم برای بهره‌برداری از رمه و نیز نیروی کار لازم برای نگهداری و مراقبت دام‌ها را فراهم می‌کنند.

به جای کوچ و اسکان باید بحث بر سر این باشد که آیا این شیوه تولید که قدمت بسیار دیرینه‌ای هم دارد قابل ادامه هست یا نیست؟ پاسخ نگارنده این است که این شیوه تولید در عصر ما قابل ادامه نیست زیرا: اولاً در طول چند دهه اخیر بخش عظیمی از بهترین و مرغوبترین مراتع کشور به مزارع آبی و دیدمی تبدیل شده‌اند و سطح کلی چراگاههای خوب و مرغوب خیلی کاهش یافته است. ثانیاً به موازات کاهش سطح مراتع به ویژه مراتع خوب و مرغوب تعداد دام (اعم از دام عشایری و روستایی)، به دلایلی که پیش از این گفته شد، به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. ثالثاً به دلایل بالا فشار چرای دام بر مراتع باقی مانده افزایش یافته و موجب تخریب و ویرانی آن شده است.

اکنون عشایر کوچنده همه ساله مقدار زیادی گاه و جواز جاهای نسبتاً دور می‌خرند و به محل استقرار زمستانی خود حمل می‌کنند. در خور توجه است که حتی آب آشامیدنی آنان نیز با تانکرهای سازمان عشایر حمل می‌شود. علاوه بر این، بیشتر عشایر کوچنده ایران همیشه در حالت نگرانی و عدم اطمینان به سر می‌برند زیرا زندگی آنان به دام‌هایشان وابسته است و زندگی دام‌ها به علفی که در مراتع می‌روید و رویش علف هم تابع بارش است که تحت کنترل نیست، گاه می‌بارد و گاه نمی‌بارد. انسان امروزی زندگی در وضعیت بی‌ثباتی و بی‌اطمینانی را نمی‌پسندد (مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. سال ۱۳۶۹، ص ۱۶۳).

مشاهدات و مطالعات کارشناسی، تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری را ضروری می‌بیند. تغییر شیوه تولید هم باید بر محور دامداری یعنی شغل اصلی صورت گیرد که عشایر در آن سنت و تجربه دیرینه دارند. خوشبختانه زمینه این امر از نظر منابع طبیعی نیز فراهم است. مراتع ییلاق و قشلاقی به ویژه مراتع قشلاقی عشایر کوچنده خاک مناسبی برای کشت علوفه در اختیار می‌گذارد. بنابراین برای ایجاد تحولی مطلوب در شیوه تولید عشایری و متناسب کردن آن با مقتضیات زمان سه کار باید انجام گیرد:

۱- چاره‌اندیشی در مورد تجاوز و تعرض به چراگاههای سنتی عشایر.

۲- جستجوی منابع آب در چراگاههای زمستانی و تابستانی عشایر.

۳- فراهم ساختن امکانات فنی و اعتباری برای ایجاد کشتزارهای علوفه در چارچوب قانون منابع طبیعی .
 به نظر می‌رسد که اگر این کار انجام شود بقیه کار را برای ایجاد تحول در شیوه تولید و شیوه دامداری را خود مردم انجام خواهند داد. این استراتژی می‌تواند به نوعی اسکان طبیعی و تدریجی بیانجامد که از نظر نوع استقرار، قابل هدایت خواهد بود. (سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. سال ۱۳۶۹، ص ۱۶۴) با مطالعات کافی و کارشناسی و با مشارکت خود عشایر از یک سو و از سوی دیگر با به کار بستن مجموعه این سیاست‌ها می‌توان بیشتر عشایر را به جماعت‌های کارآمد و فعال در پرورش دام و تولید گوشت تبدیل کرد (مثل گذشته) و بخش مهمی از نیاز روزافزون مردم کشور را به فرآورده‌های دامی مرتفع ساخت.

نتیجه گیری

گزینه ترانس‌هومانس منطقی‌ترین گزینه است ولی باید مطالعه کرد و دید که آیا به محل مورد مطالعه جواب می‌دهد یا خیر. دلایل انتخاب این شیوه به عنوان راه حل مناسب از نظر نگارنده به شرح زیر است:

۱- شرایط سرداقلمی در سردسیر و در برداشتن هزینه سنگین برای تهیه ذخیره علوفه و خوراک دامی و در مناطق گرمسیر، به دلیل وجود هوای گرم و خشک، کمبود آب، نگهداری نوع دام (گوسفند)، عدم تأمین امکانات، عملاً در شرایط اقتصادی فعلی نظام، امکان‌پذیر نیست.

۲- دامداری ثابت به دلایلی که قبلاً گفتیم بسیار پرهزینه‌تر از دامداری متحرک است.

۳- بلااستفاده ماندن مراتع در صورت اسکان محض و تبدیل مرتع به گیاهانی از گونه‌های خشن که از نظر ارزش اقتصادی زیان و خسارات فراوان هم بر جامعه عشایری و هم بر کل نظام اجتماعی دارد.

۴- در دامداری متحرک، دامداران عشایر، تجربه‌ها و مهارت‌های لازم دامداری سنتی را از پدران خود آموخته‌اند در صورتی که در دامداری ثابت نیاز به اصلاح و ترکیب نوع دام و تخصص و مهارت‌های لازم دارد.

۵- عده کثیری از خانوارها به دلیل مالکیت زمین در هر دو مکان (بیلاق-قشلاق) باطناً راغب به یکجانشینی مطلق نیستند و از طرفی شیوه رمه‌گردانی را در سال‌های اختیار نموده‌اند.

۶- وادار کردن جامعه عشایر به اسکان محض یا کوچ محض، هر دو برخلاف حریم آزادی انسان است، بنابراین اعمال هرگونه جبری، پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت.

۷- موقعیت و شرایط جوی خطه جنوبی کشور که مناطق قشلاقی ایل قشقایی محسوب می‌شود، به دلیل گرم و خشک بودن هوا، بارش کم و کمبود آب و حتی شوری و تلخی آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها و ... خانوارهای معدودی را به صورت داوطلب و براساس علائق شخصی در خود جای می‌دهد. بنابراین بیشتر خانوارها مایلند در سردسیر اسکان یابند که وسعت مراتع و زمین‌های سردسیری پاسخگوی همه نیازمندی‌ها نیست.

بنابراین بایستی از میان مجموعه‌ها نظریه‌ها، آن نظری را برای جامعه مورد مطالعه برگزید که با هدفهای سیاسی، مقتضیات اقتصادی، اجتماعی جور و مانوس باشد و تا حد ممکن بر شناخت دقیق مناسبات ایلی و همچنین آن دسته از عناصر که حیات و بقا ایل با آنها وابسته است همت گماشت. همچنین باید توجه داشت لازمه چنین اهدافی، جز با مشارکت همه جانبه نیروهای فعال جامعه عشایری و سهم نمودن آنها در اجرای پروژه‌ها و توجه به استعدادها و

تواناییهای آنان هرگونه طرحی مسلماً با شکست روبرو خواهد شد که البته در کنار مشارکت و نقش‌پذیری نیروهای علاقمند و فعال عشایری، سیاستهای هدایتی، حمایتی و نظارتی دولت بایستی برای هر چه بهتر اجرا و عملی شدن طرح‌ها و برنامه‌ریزیهای تعیین شده باید وجود داشته باشد.

و به قول استاد عزیز کیاوند: بحث طولانی و گاه ملال‌انگیز بر سر «کوچ» و «اسکان» بحث بیهوده‌ای است. مشکل ما شیوه تولید است نه کوچ یا اسکان. این شیوه تولید عشایری است که هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است. بنابراین بحث بر سر تغییر در شیوه تولید است.

اما برای جمع‌بندی و بستن این بحث به پیشنهادی کلی بسنده می‌شود با توجه به مشکلات و مسائلی که در سر راه زندگی عشایر کوچرو و اسکان یافته وجود دارد، برنامه‌های کوتاه مدت بایستی برای عشایر در نظر گرفته شود: هم‌زمان با اجرای برنامه‌ریزی بلندمدت اسکان (ترانس‌هومانس)، کمک‌ها و مساعدتهای لازم جهت ادامه کوچ خانوارهای عشایری علاقمند به کوچ نیز بایستی تنظیم گردد که از نظر ییلاق و قشلاق و ایلراهاها، خانوارهای کوچرو دچار تنگنا نباشند و در برابر عوامل نامساعد تقویت شوند. امکانات دامپزشکی در مواقع اضطراری برای دامهایشان به صورت اکیپ‌های سیار مهیا باشد. به منظور جلوگیری از کوچ خارج از فصل عشایر، حفظ و حراست مراتع آنها قبل از ورود و پس از خروج عشایر از مراتع انجام گیرد. نسق چرای دام با پروانه صادره برای تعلیف گوسفندان عشایر محترم شمرده شود. ارزاق و کالاهای سهمیه‌بندی شده طبق تقویم زمانی مشخص و به صورت سیار در مناطق صورت گیرد.

منابع

- ۱- افشاری، عبدالرحیم. (۱۳۷۵): پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۶۷): سازمان امور عشایر. فصلنامه عشایری.
- ۳- سازمان برنامه و بودجه فارس. (۱۳۷۰): نگاهی به زندگی عشایر کوچرو.
- ۴- سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر. (۱۳۶۹): مجموعه مقالات سازمان امور عشایری.
- ۵- کیاوند، عزیز. (۱۳۸۰): سیاست. حکومت. عشایر انتشارات صنم.
- ۶- مشیری، سید رحیم. (۱۳۷۹): مولایی نصراله، مبانی جغرافیای کوچ نشینی. نشر قومس.
- ۷- مشیری، سید رحیم. (۱۳۸۰): جغرافیای کوچ نشینی، انتشارات سمت.
- ۸- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵): سرشماری نفوس و مسکن ویژه عشایر.

